

بازار کساد کرونایی

فروشنندگان لوازم‌تحریر پارسال بازار کسادى داشتند. با شیوع کرونا و همه‌گیرى آموزش مجازى عملا تقاضا برای دفتر و خودکار و مداد آن قدر پایین آمد که به گفته فروشنندگان لوازم‌تحریر همین که هنوز چراغ مغازه روشن است شانس آوردیم. شرایط در بازار وسایل هنرى بدتر است و دیگر جنس‌های خارجى به صورت رسمى وارد نمى‌شود. البته نیازهای اولیه مثل مداد، خودکار و دفتر را برندهای ایرانی پاسخ می‌دهند اما فروشنندگان می‌گویند با وجود نزدیک شدن به بازگشایی مدارس، بازار مثل سال گذشته سرد است. / دنیای اقتصاد

آیامی‌دانید درصد سود ماهانه لوازم تحریر به کتاب در کتابفروشی‌ها، ۷۰ درصد به ۳۰ درصد است؟

کتابفروشی سابق، لوازم تحریر فروشی فعلی

تغییر خواهد کرد و چنین هم شد.

در سال‌های اخیر با ورود حجم زیادی از کالاهای زینتی و لوکس به بخش لوازم‌تحریر در فروشگاه‌های کتاب مواجه شدیم که بار قابل توجهی از تأمین هزینه‌ها و درآمد مورد توقع فروشگاه‌های کتاب را برآورده می‌کنند و همین اتفاق هم باعث شده بعضی از کتابفروشی‌ها روزه‌روز از حجم فضای کتاب خود کم کرده و آن را به محیط فروش لوازم‌تحریر که چند سالی است حتی اسمش هم به بخش (گیفت و هدایا) تغییر کرده، اضافه کنند. چرا که درآمد بیشتری برایشان به‌دنبال دارد. مساله اصلی این است که این ماجرا تا جایی ادامه پیدا کرده‌است که برخی کتابفروشی‌ها به خاطر تأمین هزینه و بعضا طمع برای درآمد بالاتر، رفته‌رفته دارند به گیفت‌فروشی تبدیل می‌شوند و این اتفاق باعث کم‌رنگ‌تر شدن بیش از پیش کتاب در سبد فرهنگی جامعه ما خواهد شد.

برای مثال در هفته‌ای که گذشت به چند نفر از دوستانم در کتابفروشی‌های بزرگ شهر سرد زم و با بعضی تماس گرفتم تا از وضعیت فروش نسبی کتاب و لوازم‌تحریر مطلع شوم.

قبل ترها یادم می‌آید وقتی کتابفروشی می‌رفتم، یک قسمت محدود از فروشگاه که از لحاظ موقعیت و نوع قفسه، قابل استفاده برای کتاب نبود را به لوازم‌تحریر و نوشت‌افزار اختصاص می‌دادند. مشتری‌ها هم در نهایت بین سه چهار نوع کالای معمولی با برندهای مرسوم و دوسه نوع کالای فانتزی که معمولا به دلیل شکل و شمایل جذاب‌ترشان برای بچه‌ها قدری گران‌تر هم بودند،

می‌توانستند انتخاب کنند.

نمی‌دانم در این سه چهار سال گذشته چقدر پایتان به کتابفروشی‌ها و فروشگاه‌های عرضه کالاهای فرهنگی باز شده است، اما شخصا چون بیشتر عمر کارِ‌ام را در کتابفروشی گذرانده‌ام کاملا با این تغییر فرسایشی در روند رقابت فروش بین کتاب و لوازم‌تحریر آشنا بوده‌ام و حدسش را می‌زدم که در سال‌های اخیر این رقابت به نفع گیفت‌ها (هدایا) و لوازم‌تحریر



علی غنی

کتابفروشی‌که‌از دیدن لوازم‌تحریر در کتابفروشی حرس می‌خورد



عکس: مجید آزاد / جام جم

نکته‌ای که بسیار برایم جالب آمد، این بود که به استثنای یکی از این کتابفروشی‌ها که کارکنانش سال‌هاست سعی می‌کنند ذائقه مخاطب را با کتاب‌های خوب، در سطح بالا نگه دارند، باقی کتابفروشی‌ها خودشان به این مساله معتقد بودند که بخش اعظم درآمدشان را قسمت هدایا تأمین می‌کند و این به نظرشان یک عرف کاملا منطقی بود. تا جایی که این برتری در فروش برای چند فروشگاه مهم و سرشناس در مرکز شهر به ۷۰ درصد گیفت (هدایا) در برابر ۳۰ درصد کتاب هم می‌رسید.

حالا این که قرار است این چرخه تا کجا ادامه یابد معلوم نیست اما به گمانم اهالی فرهنگ و آنها که کتاب و مطالعه برایشان اهمیت دارد، وظیفه دارند به نقد جدی چنین فضایی بپردازند و کاری‌کنند که لاقال حد یقیی برای این توسعه افسارگسیخته و به تعبیر دیگر حمله گیفت‌ها به بازار و خانه کتاب‌ها تعیین شود. بیم آن را دارم که یک روز از راسته انقلاب رد شوم و به جای عناوین جدید کتاب‌ها در ویترین، تنها و تنها خودنمایی ماکت‌ها، مجسمه‌های لوکس و ماگ‌ها را تماشا کنم....

پاپیروفیلیا هم مثل کلی اسم باکلاس دیگر، از بیماری‌های دنیای جدید است

درب‌ه‌در لوازم تحریر

نگاهش را به آنها می‌دوزد تا یک دل سیر تماشاایشان کند و از حضورشان لذت ببرد. کارش از عشق گذشته بود. معتاد شده بود و بدون موادش دوام نمی‌آورد. از پشت شیشه برایش دلبری می‌کردند اما به خودش قول داده است که دیگر سمتش نرود. آن همه رنگ و شکوه و جلال چطور این‌گونه روانش را به بازی می‌گرفت؟ هر چند وقت یک‌بار، به‌خصوص وقتی کسی کیفش را باز می‌کرد، بوی مطبوع جنس مرغوبی را استشمام می‌کرد که او را دوباره پرتاب می‌کرد به اعماق اعتیادش. اگر خودش کلنجار می‌رفت. همین هفته پیش بود که آخرین بار در دام اعتیادش بوده و نمی‌خواست باز هم تسلیم شود. تصمیم گرفت تا مسیر بازگشت از کار را از مسیری برود که چشمش به ساقی نیفتد. اگر ساقی‌اش را ببیند، دیگر کار تمام است. فقط فکرش را نمی‌کرد که در مسیر جدید یک ساقی جدید را ببیند که اجناس مرغوب‌تر و متنوع‌تری هم داشته باشد. مسخ و مدهوش رویه‌روی ساقی جدید ایستاده بود و بدون آن‌که بفهمد چه گذشته است، چند ثانیه بعد با یک کیسه خرید شامل چند دفترچه نو، یک خودکار جدید و یک پاک‌کن با نقش و نگار خلاقانه، از مغازه لوازم‌تحریر بیرون می‌آمد و نشئه از شادمانی، تمام قول‌هایی‌را که به خودش داده بود به باد فراموشی می‌سپارد.



علی گنجی

روزنامه‌نگارو دانشجوئی‌که در فرنگ هم از خودکار ایرانی استفاده‌می‌کند

عوارض تلخ و شیرین

یک بیماری



با مبتلایان بیماری خرید لوازم‌تحریر غیر لازم، باید به آرامی برخورد کرد. این دسته از افراد ممکن است در زندگی‌شان یک نامه ننوشته باشند اما چند مدل پاکت‌نامه رنگارنگ از لوازم‌تحریرهای سراسر دنیا خریده باشند. یک قیچی قدیمی را همیشه و برای همه کاری استفاده می‌کنند اما ده‌ها قیچی با کاربردها و اندازه‌های مختلف دارند که از بسته‌بندی‌شان

بیرون آورده نشده‌اند. اگر این بیماری را دارید بدانید که تنها نیستید. هشتگ #Stationeryaddict در اینستاگرام حدود دو و نیم میلیون پست را به نمایش می‌گذارد که مورد استفاده وابستگان کاغذ و قلم است تا کلکسیون خود را به رخ بکشند.

اخلاق‌های عجیب و غریب لوازم‌تحریری‌ها محدود به جمع کردن کلکسیون نمی‌شود. حساسیت‌های شدید روی لوازم‌شان باعث شده تا معمولا کسی جرات نکند از آنها خودکار یا مدادی قرض بگیرد. اگر دعوایی با آنها داشته باشید ممکن است جای مشّت و لگد را بعد از دو روز فراموش کنند اما تا چند دهه از کسی که خودکار دوست‌داشتنی‌شان را قرض گرفته و پس نداده است متنفر می‌شوند. پدر یکی از همکلاسی‌هایم لوازم‌تحریر داشت و باعث شده بود فرزندش عشق و حساسیتی عجیب به لوازم‌تحریر داشته باشد. همه خودکارها را تا قطره آخر استفاده می‌کرد و از تماشای خودکاری که لوله‌اش سفید شده و بازنشسته شده‌است لذت می‌برد. یک کیف کوچک در کمدهش داشت که خودکار و قلم مرحوم را با احترام نگه می‌داشت.

همه رنگ خودکاری داشت و اگر در صفحه‌ای از جزوه‌اش یک خط‌خوردگی اتفاق می‌افتاد، آن صفحه را کامل از نو می‌نوشت تا اعصابش خط‌خطی نشود. بیشتر از امتحان و کنکور، از دفتری تنفر داشت که رنگ خودکار را به صفحه پشتی‌اش پس می‌داد. در یک مسابقه درون‌مدرسه‌ای یک ست لوازم‌تحریر برد که باعث شد عاشق فعالیت‌های پرورشی مدرسه شود و کاری کرد که قفسه جوایز به درد نخور مدرسه پر شود از قلم و خودکار و دفتر فانتزی. از یک همکلاسی هم متنفر شد زیرا در خودکاری را که به او قرض داده بود، جویده شده تحویل گرفت و از جای دندان در اندام معشوق، غصه‌دار شد. در نهایت هم به آرزوی خودش رسید و یک مغازه لوازم‌تحریر مستقل باز کرد تا از صبح تا شب همنشین عشقش باشد.

یک عاشق واقعی لوازم‌تحریر، بزرگ‌ترین ترازوی روز را زمانی تجربه می‌کند که در خودکارش کم شود. خریداران افراطی لوازم‌تحریر این کار را برای حس خلاق بودن بعد از خرید لوازم‌تحریر انجام می‌دهند. در دنیای مدرن امروز و در صفحه گوشی موبایل و لپ‌تاپ، فضای زیادی برای نوشتن وجود دارد. اما القای حس خلاقیت از خرید یک کاغذ و قلم جدید، از عوامل اعتیادآوری است که در مغز پاپیروفیل‌ها، سروتونین ترشح‌کند و باعث شادی زایدالوصف‌شان شود. گاهی اوقات هیچ علاقه‌ای به درس و مدرسه یا کار در این افراد وجود ندارند اما عشق خرید لوازم‌تحریر جدید و استفاده از آنها، باعث می‌شود تا هیجان بی‌اندازه‌ای برای شروع شغل جدید یا سال تحصیلی داشته باشند. اگر بفرمند مدرسه یا محل کار لوازم‌تحریر مورد نیازشان را تهیه می‌کند، از این هدیه گران‌قیمت ناراحت می‌شوند و دوست ندارند کسی آنها را از لذت‌شان جدا سازد.

دلباختگان پاپیروس و گرافیت

«پاپیروفیلیا» یک نوع اعتیاد عجیب و غریب است که گریبانگیر دنیای مصرف‌گرا شده‌است. پاپیروفیلیا در واقع عشق به کاغذ و دفتر و به‌طور کلی لوازم‌تحریر است. بیمارانی که به این بلای خانمانسوز مبتلا می‌شوند، حتی در اوج فقر و نداری، بیشترین لذت را از خرید لوازم‌تحریر می‌برند و گاهی اوقات بیشتر درآمد و پول تو جیبی‌شان را در این راه از دست می‌دهند. بعضی آن‌قدر دفتر جدید می‌خرند که اگر تا آخر زندگی‌شان روزی یک کتاب بنویسند باز تمام نمی‌شود. بوی کاغذ نو تمامی گیرنده‌های عصبی مغزشان را فعال می‌کند و طوری عطر دفتر نو و کاغذ را سه کام حبس می‌کنند که هرکس از نزدیک‌شان رد شود فکر بدی می‌کند. عده دیگری از پاپیروفیل‌ها، دفتر خاطرات می‌خرند. اگر بخواهید از زندگی و اعتیادشان با خواندن خاطرات‌شان سر در بیاورید، کار بسیار سختی خواهید داشت. زیرا که این معتادان حداقل ۵۰ دفتر خاطرات در جای‌جای اتاق‌شان دارند. در هیچ‌کدام هم خاطراتی نوشته نشده و در بهترین حالت صفحه اولشان با چند خودکار و ماژیک شیک، تزئین شده اما در ادامه چیزی نوشته نشده است. معمولا جزوه‌های درسی این عشاق به همین منوال است و عشق نوشتن در صفحه اول یک دفتر نو باعث شده است که از ۱۰ رنگ خودکاری که بی‌جهت خریده‌اند استفاده کنند و صفحه اول جزوه‌های درسی‌شان در حد یک اثر هنری وقت برده است و ارزش قاب کردن دارد. اما صفحات بعد خبری از خطاطی نیست و معلوم نیست چه بلایی بر سر خریدارش آمده است.



سود بی نظیر سوداگران



باعث شد تا علاقه به آنها نیز روز افزون شود. در دهه ۸۰ دفترچه‌های با طرح هری پاتر آن‌قدر طرفدار داشت که کارش به ممنوعیت کشیده شد. از رنگارنگ‌ترین مغازه‌های امروزی لوازم‌تحریری‌ها هستند که مشتریانی فارغ از محصولات و کارمندان دارند. گونه‌های مختلف تولیدی برای هر سلیقه و فرهنگی طراحی شده‌اند و تنوع اجناس آن‌قدر زیاد است که اگر برای خرید یک مداد ساده به مغازه رفته باشید، با چند محصول متفاوت که شاید هیچ‌گاه استفاده نشوند خارج می‌شوید. شهر کتاب‌ها در نقاط مختلف کشور از این موضوع حداکثر استفاده را می‌برند و در کنار اختصاص یک طبقه یا محیط جداگانه برای لوازم‌تحریر، از بازار مصرفی این محصولات سود می‌برند. در بسیاری شهر کتاب‌ها، قسمت فروش لوازم‌تحریر از بخش کتابفروشی بسیار بزرگ‌تر است و بیشتر به شهر لوازم‌تحریر می‌خورد تا شهر کتاب.

پیشرفت تولیدات لوازم‌تحریر در ایجاد این نوع از اعتیاد غیرقابل انکار است. مثل مواد صنعتی که جای مواد سنتی را با تنوع و خلاقیت‌شان گرفتند، تولیدکنندگان لوازم‌تحریر هم راهی متفاوت را در سه دهه گذشته پیش گرفته‌اند. با وجود پیشرفت‌های دیجیتالی در عرصه نوشت‌افزار، هیچ چیز نتوانسته جای ادوات گذشته را بگیرد و قلم و دوات هنوز فروش دارد.

پیشرفت شرکت‌های تولیدی هم چشمگیر است و شرکتی مثل سیمتسون رشد ۴۰ درصدی در سهامش را در عرض یک سال تجربه کرد. لوازم‌تحریر در دهه‌های قبلی محدود بود به لوازم اداری و خودکار و دفترهایی ساده که نقش و نگار خاصی نداشتند و محض استفاده عملی خریداری می‌شدند و نه به هدف کلکسیونری. آرایش لوازم‌تحریر و تغییر دفترها از جلد ساده به جلدهایی با طراحی گرافیکی کارتونی و سینمایی